



# اصول فقه ۲ (حلقه ثانیه)

سطح ۲

درس ۳۸

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی

آموزشیار: آقای علی اکبر دهقانی

## مقدمه

دلیل شرعی لفظی، مستند فقیه در استدلال فقهی است. از این رو شناخت احوال و خصوصیات الفاظ اثر شایانی در تعیین محدوده استفاده فقیه از دلیل لفظی دارد. همین نکته سبب شده است بخش وسیعی از مباحث کتب اصول و منطق به مباحث الفاظ اختصاص یافته و احوال و خصوصیات لفظ تماماً بررسی شود. این کتاب نیز از این مسئله مستثنی نبوده و در ادامه بحث بررسی علت دلالت لفظ بر معنا به نقد دیدگاه تعهد پرداخته و در نهایت، با بیان قول درست در مسئله، بحث را به پایان می‌برد. در درس آینده به بیان انواع وضع خواهیم پرداخت.

## متن درس

[الوضع و علاقته بالدلالات المتقدمة]

و الدلالة التصورية هي في حقيقتها علاقة سببية بين تصور اللفظ و تصور المعنى، و لما كانت السببية بين شيئين لا تحصل بدون مبرر، اتجه البحث إلى تبريرها، و من هنا نشأت عدة احتمالات: الأول: ... الثاني: ... الثالث: ان دلالة اللفظ تنشأ من الوضع، و الوضع ليس اعتباراً، بل هو تعهد من الوضع ...]

و يرد على مسلك التعهد:

أولاً: ان المتكلم لا يتعهد عادة، بان لا يأتي باللفظ الا إذا قصد تفهيم المعنى الذي يريد وضع اللفظ له، لأن هذا يعنى التزامه ضمناً بأن لا يستعمله مجازاً، مع ان كل متكلم كثيراً ما يأتي باللفظ و يقصد به تفهيم المعنى المجازي، فلا يحتمل صدور الالتزام الضمني المذكور من كل متكلم.

و ثانياً: ان الدلالة اللفظية و العلة اللغوية بموجب هذا المسلك تتضمن استدلالاً منطقياً و إدراكاً للملازمة و انتقالاً من أحد طرفيها إلى الآخر، مع ان وجودها في حياة الإنسان يبدأ منذ الأدوار الأولى لطفولته و قبل ان ينضج أى فكر استدلالى له، و هذا يبرهن على انها أبسط من ذلك.

و التحقيق ان الوضع يقوم على أساس قانون تكويني للذهن البشرى، و هو: انه كلما ارتبط شيئان في تصور الإنسان ارتباطاً مؤكداً أصبح بعد ذلك تصور أحدهما مستدعياً لتصور الآخر. و هذا الربط بين تصورين تارة يحصل بصورة عفوية، كالربط بين سماع الزئير و تصور الأسد الذي حصل نتيجة التقارن الطبيعي المتكرر بين سماع الزئير و رؤية الأسد، و أخرى يحصل بالعناية التي يقوم بها الوضع، إذ يربط بين اللفظ و تصور معنى مخصوص في ذهن الناس فينتقلون من سماع اللفظ إلى تصور المعنى، و الاعتبار الذي تحدثنا عنه في الاحتمال الثاني، ليس إلا طريقة يستعملها الوضع في إيجاد ذلك الربط و القرن المخصوص بين اللفظ و صورة المعنى. فمسلك الاعتبار هو الصحيح، و لكن بهذا المعنى، و بذلك صح ان يقال إن الوضع قرن مخصص بين تصور اللفظ و تصور المعنى بنحو أكيد لكي يستتبع حالة إثارة أحدهما للآخر في الذهن.

و من هنا نعرف ان الوضع ليس سبباً إلا للدلالة التصورية، و اما الدالتان التصديقتان الأولى و الثانية، فمنشؤهما الظهور الحالى و السياقى للكلام لا الوضع.

## مسلك تعهد و اشكالات آن

انتقال ذهن از لفظ به معنا، نشان از وجود رابطی سببی میان لفظ و معناست. بزرگان اصول در تعیین علت وجود این رابطه بر سه قول اختلاف کرده‌اند. سومین دیدگاه، مسلك تعهد است. این دیدگاه وضع را علت وجود رابطه مزبور دانسته و آن را به معنای تعهد واضح نسبت به استعمال لفظ در خصوص تفهیم معنای آن می‌داند. شهید صدر با بیان دو اشكال، قول مزبور را رد می‌نماید.

### اشكال اول مسلك تعهد

بر اساس این دیدگاه همه گویندگان، واضع محسوب می‌شوند و واضع کسی است که متعهد می‌شود لفظ را جز در هنگام تفهیم معنای آن استفاده نکند. معنای چنین التزامی این است که متکلم متعهد می‌شود لفظ را در معنای مجازی استعمال نکند. در حالی که بسیار اتفاق می‌افتد که متکلم از لفظ استفاده می‌کند و مراد وی از لفظ معنای آن نیست، بلکه قصد تفهیم معنایی مجازی را دارد. این نکته شاهد بر این است که گوینده عادتاً و در اکثر موارد به تعهد مزبور متعهد نیست. بدین ترتیب سبب قرار دادن وضع به معنای تعهد غیر واقعی بوده و تحقق خارجی ندارد، بلکه احتمال صدور چنین تعهدی از همه گویندگان وجود ندارد.

### تطبيق

و یرد علی مسلك التعهد: أولاً: ان المتكلم لا يتعهد عادة، بان لا يأتي باللفظ الا إذا قصد تفهيم المعنى الذى یرید وضع اللفظ له،

و بر دیدگاه تعهد اشكال می‌شود: اولاً: به این که گوینده غالباً متعهد نمی‌شود که لفظ را استعمال نکند مگر زمانی که قصد فهماندن معنایی که می‌خواهد لفظ را برای آن معنا وضع کند، داشته باشد.

لأن هذا یعنی التزامه ضمناً بأن لا يستعمله مجازاً، مع ان كل متكلم كثيراً ما يأتي باللفظ و يقصد به تفهيم المعنى المجازى، فلا يحتمل صدور الالتزام الضمنى المذكور من كل متكلم.

زیرا این تعهد یعنی التزام ضمنی گوینده به این که لفظ را مجازاً استعمال نکند، با این که هر گوینده‌ای بسیاری از مواقع لفظ را می‌آورد و فهماندن معنای مجازی را با آن قصد می‌کند. پس احتمال تحقق التزام ضمنی مزبور از هر گوینده‌ای نمی‌رود.

### اشكال دوم مسلك تعهد

انتقال ذهن از لفظ به معنا، نشان از وجود رابطی سببی میان لفظ و معناست. سومین دیدگاه در تعیین علت وجود این رابطه، مسلك تعهد است. این دیدگاه با دو اشكال مواجه است. اشكال اول بیان گردید و اشكال دوم از این قرار است: بر اساس دیدگاه تعهد، واضع متعهد می‌شود که لفظ را جز در هنگام تفهیم معنای خاص آن استعمال نکند. این تعهد است که میان لفظ و معنا ارتباط ایجاد می‌کند و شنونده با شنیدن لفظ و توجه به وجود این ملازمه از لفظ به معنا منتقل می‌شود. هر متکلمی با تعهد مزبور با گفتن لفظ وجود یک قیاس منطقی را به شنونده القا می‌کند؛ و آن این که او نیز به مانند دیگر گویندگان، هر گاه لفظی را به کار برد، قصد تفهیم معنای آن را دارد و لفظ به

کار برده نیز بر اساس این قاعده کلی صادر شده است. شنونده با توجه به این قیاس و ملازمه میان گفتن لفظ و قصد تفهیم معنای آن، از لفظ به معنا منتقل می‌شود و طبیعی است که شنونده در صورت درک نکردن قیاس و ملازمه مزبور توانایی فهم معنا را ندارد؛ زیرا در این صورت رابطه سببی میان لفظ و معنا برقرار نشده است. اما بدون شک چنین امری صحیح نیست؛ زیرا انسان از ابتدای کودکی با شنیدن الفاظ به معنای آن‌ها منتقل می‌شود، بدون این‌که در چنین سنینی توانایی درک ملازمه و قیاس مزبور را داشته باشد. این نکته شاهد این است که سبب وجود رابطه میان لفظ و معنا، بسیار ساده‌تر از تعهدی است که مسلک تعهد به آن معتقد است و آن را منشأ وجود ارتباط میان لفظ و معنا می‌داند.

## FG۱

۱. غالباً گویندگان به این‌که لفظ را جز به هنگام قصد تفهیم معنای آن استعمال نکنند، ملتزم نمی‌شوند.
۲. در مسلک تعهد در صورتی که شنونده ملازمه را درک کند به معنا منتقل می‌شود، در حالی که در کودکان با این‌که توانایی درک چنین اموری را ندارند، انتقال وجود دارد.
- اشکالات مسلک تعهد

## تطبیق

و ثانیاً: ان الدلالة اللفظية و العلة اللغوية<sup>۱</sup> بموجب هذا المسلك تتضمن استدلالاً منطقیاً<sup>۲</sup> و إدراكاً للملازمة و انتقالاً من أحد طرفيها إلى الآخر<sup>۳</sup>،

و ثانیاً (اشکال دوم مسلک اعتبار) این‌که دلالت لفظی (سببیت میان لفظ و معنا) و ارتباط لغوی به سبب این دیدگاه متضمن استدلالی منطقی و تفهیم ملازمه (میان آوردن لفظ و قصد تفهیم معنای آن) و انتقال ذهن از یکی از دو طرف ملازمه به طرف دیگر است.

مع ان وجودها فی حياة الإنسان يبدأ منذ الأدوار الأولى لطفولته و قبل<sup>۴</sup> ان ينضج<sup>۵</sup> أي فكر استدلالی له، و هذا بیرهن علی انها أبسط من ذلك.

با این‌که وجود دلالت لفظی در زندگی انسان از اولین دوران طفولیت انسان آغاز می‌شود و قبل از این‌که هر گونه فکر استدلالی برای انسان برسد. و این دلیلی است بر این‌که دلالت لفظی ساده‌تر از این (چیزی که مسلک تعهد می‌گوید) است.

<sup>۱</sup> عطف تفسیری.

<sup>۲</sup> این گوینده لفظ «آب» را به کار برد؛ هر گوینده‌ای که لفظی به کار می‌برد، قصد تفهیم معنای آن را دارد. پس گوینده مزبور قصد تفهیم معنای آب را دارد.

<sup>۳</sup> «استدلالاً منطقیاً و إدراكاً للملازمة و انتقالاً من أحد طرفيها إلى الآخر» همگی به یک معنا هستند.

<sup>۴</sup> عطف تفسیری برای «منذ الادوار ...».

<sup>۵</sup> یعنی: پخته شود، برسد.

## دیدگاه صحیح در علت پیدایش رابطه میان لفظ و معنا

وجود رابطه سببی میان لفظ و معنا بدون دلیل محقق نشده است. علت این رابطه در کلام بزرگان اصول به سه نحو بیان شده است که همگی بیان و مورد مناقشه قرار گرفتند. دیدگاه درست در این رابطه دیدگاه «قرن اکید» است که در حقیقت همان مسلک اعتبار با رویکردی دقیق و بیانی متفاوت است.

عده‌ای از قوانینی که ذهن بشری تابع آن است قوانینی هستند که ذهن بدون این که متوجه آن باشد یا توسط کسی جعل شده باشد، بدان عمل می‌کند. وضع نیز بر اساس قانون تکوینی ذهن بشر شکل گرفته است. ذهن انسان به گونه‌ای است که به مجرد وجود ارتباط قوی میان تصور دو چیز در آن، ناخودآگاه با تصور یکی به تصور دیگری منتقل می‌شود. قرین شدن دو چیز باعث وجود ارتباط میان تصور یکی و تصور دیگری برای ذهن می‌شود. این مقارنت در صورتی که تکرار شود یا در شرایطی خاص تحقق یابد (مثل این که شاهد وقوع سانحه دلخراشی در خیابان باشد)، باعث می‌شود در ذهن انسان میان تصور آن دو ارتباطی قوی برقرار شود و ذهن با تصور یکی به تصور دیگری منتقل گردد. ارتباط مزبور ممکن است به یکی از این دو صورت واقع شود:

تقارن اتفاقی: در بسیاری از موارد، علت وجود ارتباط میان تصور دو چیز، تقارنات طبیعی است که در خارج به طور مکرر محقق می‌شوند. مانند صدای غرش شیر و دیدن شیر. تکرار این تقارن باعث می‌شود میان آن‌ها ارتباطی قوی شکل بگیرد و ذهن با تصور یکی بلافاصله به تصور دیگری منتقل شود.

تقارن اختیاری: و آن در مواردی است که واضع میان دو چیز مقارنت و همراهی ایجاد می‌کند. همان‌طور که پدر میان لفظ «زید» و فرزندش مقارنت ایجاد می‌کند و این باعث می‌شود تصور هر یک از «زید» و «فرزند»، تصور دیگری را به دنبال داشته باشد.

واضع نیز در جعل الفاظ، میان لفظ و معنا مقارنت ایجاد می‌کند و بدین وسیله میان آن دو ارتباطی قوی در ذهن مردم به وجود می‌آورد؛ به گونه‌ای که با شنیدن لفظ به سرعت به معنا منتقل می‌شوند.

بدین ترتیب مسلک اعتبار، دیدگاه صحیح درباره علت رابطه سببی میان لفظ و معناست؛ ولی نه به معنای این که وضع مستقیماً علت وجود چنین رابطه‌ای باشد، بلکه وضع راهی برای رسیدن به این ارتباط است. واضع، لفظ و معنا را قرین یکدیگر قرار می‌دهد و از این راه، میان لفظ و معنا به طور غیر مستقیم ارتباط ایجاد می‌کند.

## FG۲

اتفاقی؛ مانند اقتران میان غرش شیر و دیدن شیر. } وجود اقتران میان دو چیز  
اختیاری؛ در همه وضع‌ها.

## تطبیق

و التحقیق ان الوضع یقوم علی أساس قانون تکوینی للذهن البشري، و هو: انه كلما ارتبط شیئان فی تصور الإنسان ارتباطاً مؤكداً أصبح بعد ذلک تصور أحدهما مستدعیاً لتصور الآخر.

تحقیق این که وضع بر اساس یک قانون تکوینی (نانوشته) ذهن بشر قائم است. این قانون این است که هرگاه دو شیء در تصور انسان مرتبط به ارتباط قوی و مؤکد شوند، بعد از آن، تصور یکی از دو شیء، مقتضی تصور شیء دیگر می گردد.

و هذا الربط بين تصورين تارة يحصل بصورة عفوية<sup>۱</sup>، كالربط بين سماع الزئير و تصور الأسد الذي<sup>۲</sup> حصل نتيجة التقارن الطبيعي المتكرر بين سماع الزئير و رؤية الأسد،

و این ربط میان دو تصور گاه به صورت غیر ارادی و ناخودآگاه حاصل می شود. مانند ارتباط میان شنیدن غرش شیر و تصور شیر که این ارتباط، حاصل مقارنت طبیعی میان شنیدن غرش شیر و دیدن شیر است که مکرر اتفاق افتاده است.

و أخرى يحصل بالعناية<sup>۳</sup> التي يقوم بها الواضع، إذ يربط بين اللفظ و تصور معنى مخصوص في ذهن الناس فينتقلون من سماع اللفظ إلى تصور المعنى،

و گاهی با اراده و عنایتی که واضع به آن قیام می کند حاصل می شود؛ زیرا واضع میان لفظ و معنای خاصی در ذهن مردم ایجاد ربط می کند پس مردم از شنیدن لفظ به تصور معنا منتقل می شوند.

و الاعتبار الذي تحدثنا عنه في الاحتمال الثاني، ليس إلا طريقة يستعملها الواضع في إيجاد ذلك الربط و القرن المخصوص بين اللفظ و صورة المعنى.

اعتباری که از آن در احتمال دوم (دیدگاه مشهور یعنی مسلک اعتبار) سخن گفتیم نیست مگر راهی که واضع آن را در ایجاد آن ربط و مقارنت مخصوص میان لفظ و تصویر معنا استعمال می کند.

فمسلک الاعتبار هو الصحيح، و لكن بهذا المعنى، و بذلك صح ان يقال إن الوضع قرن مخصوص بين تصور اللفظ و تصور المعنى بنحو أكيد لكي يستتبع حالة إثارة أحدهما للآخر في الذهن.

پس مسلک اعتبار، دیدگاه درست است لکن به این معنا<sup>۴</sup> و از این رو (که اعتبار به معنای ایجاد مقارنت، علت ارتباط میان لفظ و معناست)، صحیح است که گفته شود: وضع مقارنت خاص میان تصور لفظ و تصور معنا به صورت مؤکد است؛ تا حالت برانگیختن یکی را برای دیگری در ذهن در پی داشته باشد.

Sco۲ ۲۲:۳۸

### سبب وجود دلالت تصدیقی اولی و ثانوی

بیان شد که اعتبار، علت پیدایش دلالت تصویری به طور غیرمستقیم است؛ زیرا واضع با کنار هم قرار دادن لفظ و معنا باعث به وجود آمدن ارتباط میان آن ها شده است، به گونه ای که شنیدن یکی، تصویر دیگری را به دنبال دارد. با توجه به این تفسیر از اعتبار، وضع، تنها، علت پیدایش دلالت تصویری لفظ است؛ بر خلاف تعهد که دلالت

<sup>۱</sup> ناخودآگاه، غیرارادی.

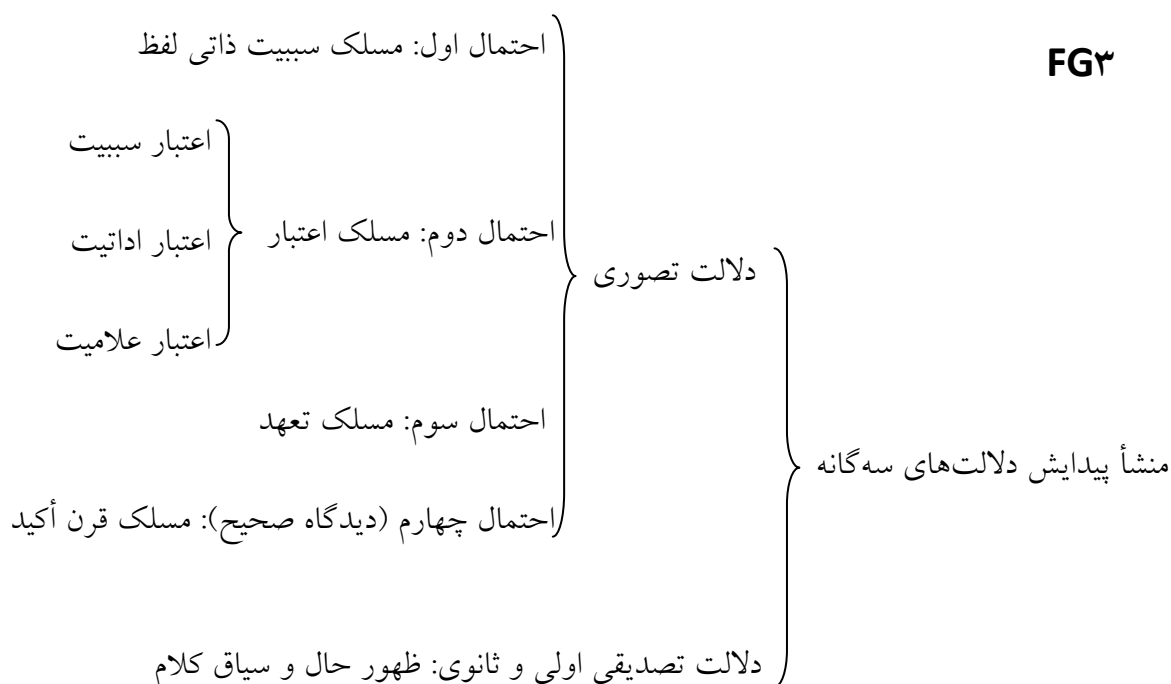
<sup>۲</sup> وصف «الربط».

<sup>۳</sup> ارادی و اختیاری.

<sup>۴</sup> یعنی: این که وضع ایجاد مقارنت میان لفظ و معناست و از این طریق ارتباط ایجاد می شود.

تصدیقی را نیز مسبب از وضع می‌دانست. بر اساس مسلک صحیح، علت پیدایش دلالت تصدیقی اول و دوم، سیاق کلام و حال متکلم است. با توجه به منبع صدا و نیز قرائتی که در کلام وجود دارد، اراده تصدیق اولی و نیز تفهیم مراد جدی فهمیده می‌شود. گاه منبع صدا موجود بی‌جانی است که بدون شعور جملائی را تکرار می‌کند، در این حالت دلالت تصدیقی برای کلام او نخواهد بود. و گاه متکلم در مقام شوخی است، پس گرچه دلالت اول را داراست؛ اما از دلالت تصدیقی دوم بی‌بهره است.

سیاق کلام را می‌توان هر چیزی (غیر از خود لفظ) دانست که به نحوی پیرامون لفظ را گرفته و بر نحوه القای لفظ دلالت دارد. اعم از این که لفظ باشد یا حالت و موقعیتی که لفظ در آن صادر می‌گردد.



### تطبیق

و من هنا<sup>۱</sup> نعرف ان الوضع ليس سبباً إلا للدلالة التصورية، و اما الدالتان التصديقتان الأولى و الثانية، فمنشؤهما الظهور الحالی و السياقی للكلام لا الوضع.

و از این جا می‌شناسیم که وضع جز سبب دلالت تصویری نیست. اما دلالت تصدیقی اول و دوم، پس منشأ پیدایش آن‌ها ظاهر حال و سیاق کلام است، نه وضع.

Scor ۳۰:۱۵

<sup>۱</sup> «إن الوضع قرن مخصوص بين تصور اللفظ و تصور المعنى بنحو أكيد لكي يستتبع حالة إثارة أحدهما للآخر في الذهن».



## چکیده

۱. مسلک تعهد با دو اشکال مواجه است:

الف) در غالب موارد، متکلم به این که لفظ را جز به هنگام اراده تفهیم معنای آن استعمال نکند، متعهد نیست.

ب) بر اساس این مسلک، در صورتی شنونده معنای لفظ را می فهمد که به ملازمه توجه و التفات پیدا کند، در حالی که کودکان بدون این که قادر بر فهم این امور باشند، معانی را درک می کنند.

۲. اعتقاد صحیح درباره علت پیدایش ارتباط میان لفظ و معنا، مسلک «قرن اکید» است. در حقیقت، اعتبار، علت غیرمستقیم ارتباط مزبور بوده و جاعل با قرین کردن لفظ و معنا آن را به وجود می آورد.

۳. ارتباط به صورت ارادی و غیرارادی محقق می شود.

۴. علت پیدایش دلالت تصدیقی اول و دوم ظاهر حال متکلم و سیاق کلام است.